

Original Article

Moral Criteria of Hajj Management and Its Effect on the New Order of Biological Ethics

Mojtaba Shariatifard¹, Ahmad Reza Khazaei^{2*}

1. Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Faculty of Literature and Humanities, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Faculty of Literature and Humanities, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. (Corresponding Author) Email: dr.khazaei46@yahoo.com

Received: 17 Nov 2019 Accepted: 12 Apr 2020

Abstract

Background and Aim: Hajj, as one of the important practices in the behavior of believers, has various dimensions, the management of which can have different moral, political and social effects. For this reason, the present study seeks to examine the behavioral system of Hajj management and its impact on biological ethics from a moral perspective.

Materials and Methods: The method used in this research is descriptive-analytical due to the approach of the article from documentary sources, verses and narrations as well as valid jurisprudential and historical texts.

Findings: Ethical principles and criteria of Hajj management include love and compassion, general management and based on trans-ethnic and transnational perspective, having insight in management, coordination and cooperation of speech and action of Hajj managers, justice-oriented and avoiding ethnic and tribal tendencies and criteria. The principle of "special manager and special audience" is in the management of the Great Hajj Congress. According to the political and social conditions of the contemporary society, these criteria can both show the world a model of Islamic moral management and be considered as a representative of the rules and teachings of Islamic management.

Conclusion: Holding Hajj and even managing it, is a public issue for different countries and nations and therefore it cannot be exclusive to a specific group or country. This privilege cannot even include the area where the Kaaba is located. Therefore, the management of Hajj should be based on ethics and a model for different nations in line with the Islamic system of behavior. This requires paying attention to the divine commands and rules, taking advantage of modern science, as well as transforming the management of the Hajj Congress as a model for introducing Islamic teachings and rules as a common heritage.

Keywords: Hajj Management; Moral Criteria; Islamic Bioethics; Hajj; Common Heritage

Please cite this article as: Shariatifard M, Khazaei AR. Moral Criteria of Hajj Management and Its Effect on the New Order of Biological Ethics. *Bioethics Journal*, Special Issue on Bioethics and Citizenship Rights 2020; 51-62.

معیارهای اخلاقی مدیریت حج و اثرگذاری آن بر نظم نوین اخلاق زیستی

مجتبی شریعتی‌فرد^۱، احمدرضا خزائی^{۲*}

۱. گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲. استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسؤول)

Email: dr.khazaei46@yahoo.com

دریافت: ۱۳۹۸/۸/۲۶ پذیرش: ۱۳۹۹/۱/۲۶

چکیده

زمینه و هدف: حج به عنوان یکی از اعمال مهم در نظام رفتاری مؤمنان دارای ابعاد گوناگونی است که نحوه مدیریت آن می‌تواند آثار اخلاقی، سیاسی و اجتماعی متفاوتی در پی داشته باشد. به همین دلیل پژوهش حاضر درصدد است تا از منظری اخلاقی، نظام رفتاری مدیریت حج و تأثیر آن بر اخلاق زیستی را مورد بررسی قرار دهد.

مواد و روش‌ها: روش مورد استفاده در این پژوهش، توصیفی - تحلیلی است که به دلیل رویکرد مقاله از منابع اسنادی، آیات و روایات و همچنین متون معتبر فقهی و تاریخی استفاده شده است.

یافته‌ها: اصول و معیارهای اخلاقی مدیریت حج عبارت از محبت و مهرورزی، مدیریت عمومی و مبتنی بر نگاه فراقومی و فراملی، داشتن بصیرت در مدیریت، هماهنگی و همراهی گفتار و عمل مدیران حج، عدالت‌محوری و پرهیز از گرایش‌های قومی و قبیله‌ای و ملاک قراردادن اصل «مدیر خاص و مخاطب خاص» در مدیریت کنگره عظیم حج است. این معیارها با توجه به شرایط سیاسی و اجتماعی جامعه معاصر هم می‌توانند الگویی از مدیریت اخلاقی اسلامی را به جهانیان نشان دهند و هم معرف احکام و معارف مدیریتی اسلام تلقی شوند.

نتیجه‌گیری: برگزاری حج و حتی مدیریت آن موضوعی عمومی و همگانی برای کشورها و ملل مختلف است و از این رو نمی‌تواند در انحصار گروه و یا کشور خاصی باشد. این امتیاز، حتی نمی‌تواند شامل منطقه‌ای که کعبه در آن واقع شده است، باشد. بنابراین مدیریت حج می‌بایست در راستای نظام رفتاری اسلام، مبتنی بر اخلاق و الگویی برای ملل مختلف باشد. این امر نیازمند توجه به دستورات و احکام الهی، بهره‌گیری از علم روز و همچنین تبدیل مدیریت کنگره حج به عنوان الگویی برای معرفی معارف و احکام اسلامی به عنوان میراثی مشترک است.

واژگان کلیدی: مدیریت حج؛ معیارهای اخلاقی؛ اخلاق زیستی اسلامی؛ مناسک حج؛ میراث مشترک

مقدمه

حج به عنوان یک کنگره عظیم اسلامی، اقیانوسی وسیع از معارف دینی است که همه ساله در برگزاری مناسک مربوط به آن، به لحاظ مکانی، انسانی، اقلیمی و زمانی، بستری مهم برای گسترش فرهنگ اسلامی و تبلیغ احکام و معارف دین مبین اسلام فراهم می‌شود. بر این اساس، اجتماع حج به عنوان عملی ارزشمند و معنوی، آثار مهم سیاسی و اجتماعی و زمینه‌هایی قابل توجه جهت شناسایی و معرفی پیام دین اسلام دارد. این موضوع از همان ابتدای شکل‌گیری مناسک حج مورد توجه بوده است. جدای از بیان مفاهیم مذهبی حج، در واقع، حکومت‌ها و دولت‌ها در تاریخ اسلام، برگزاری مناسک حج را نشانه مقبولیت و مشروعیت سلطه خویش می‌دانستند، چه این‌که حج، علاوه بر جنبه عبادی، از همان روزگار پیامبر (ص) برای حکومت نوپای اسلام، اهمیت سیاسی روزافزونی داشت، زیرا تسلط بر مکه، مشروعیت حکومت تلقی می‌شد (۱). امروزه نیز مسأله حج مورد توجه مسلمانان، کشورهای مختلف و ملل گوناگون است. این مسأله هم به دلیل اهمیت معنوی حج و انجام مناسک آن و هم نقش این عمل در گسترش فرهنگ و اعتقادات اسلامی است. از این منظر، حج، مبتنی بر یک فضای ارتباطی، مانند ارتباط غیر زبانی خدا و انسان و گردهمایی شکوهمند حجاج است و می‌تواند به نوعی سبب افزایش توان ارتباطی شود.

علاوه بر جنبه‌های عبادی مراسم حج و انجام مناسک مربوط به آن، آثار سیاسی، اجتماعی و فرهنگی آن نیز مورد توجه است. به همین دلیل امروزه از مسأله مدیریت حج و نقش آن در معرفی و شناسایی این عمل الهی سخن به میان آورده می‌شود و حتی آن را با مسائل اخلاقی نیز پیوند می‌زنند. مسائل اخلاقی از این لحاظ مطرح است که کدام معیارهای اخلاقی بر عمل حج حاکم است که می‌تواند آن را به عنوان الگویی برای اخلاق زیستی در جامعه معاصر معرفی نماید. بنابراین سؤال پژوهش حاضر به طور مشخص این است: معیارهای اخلاقی حاکم بر مدیریت حج شامل چه مواردی است و چگونه می‌تواند باعث ترویج اخلاق زیستی شود؟

بر این اساس، هدف اصلی پژوهش حاضر نیز بررسی ضوابط و معیارهای اخلاقی حاکم بر مدیریت حج است که در واقع به عنوان «باید»های اخلاقی مدیریت حج نیز می‌توانند شناخته شوند. از آن جهت که اهمیت حج چنان مهم است که برگزاری صحیح و مناسب آن می‌تواند حاوی پیامی روشن‌گرانه و اخلاقی جهت اداره کنگره عظیم اسلامی و همچنین ترسیم الگویی برای مدیریت اسلامی در میان جوامع اسلامی و حتی جهان گردد. ساختار پژوهش بدین‌ترتیب است که ابتدا به مفاهیم بحث پرداخته می‌شود، پس از آن، حج و جایگاه آن مورد بررسی واقع می‌شود و در نهایت به معیارهای اخلاقی در زمینه مدیریت حج توجه نشان داده می‌شود.

مفهوم‌شناسی واژه‌ها

از آنجا که هر پژوهش، از واژگانی بهره خواهد جست که ممکن است معانی متفاوتی از آن ظهور کند و عدم توجه به معنی محقق، امکان دارد برداشت غایی از اثر را دچار انحطاط نماید، لذا در این مقاله، به بازتعریف واژگان مؤثر در بیان تحلیل فقهی موضوع پرداخته می‌شود:

۱- مدیر و مدیریت

مدیر در لغت به «داره‌کننده، گرداننده، کسی که کاری را اداره می‌کند» (۲). همچنین «دوردهنده، گرداننده» (۳) معنی شده است و در اصطلاح «به کسی گفته می‌شود که می‌تواند کوشش و فعالیت‌های افراد را برای رسیدن به هدف یا اهداف معینی هماهنگ و به طرز شایسته‌ای سازمان دهد» (۴)، البته باید دانست که مدیریت، به تنهایی یک علم نیست، بلکه تلفیق و بهره‌گیری از علم و هنر است. در واقع «مدیریت» علم را به کار می‌گیرد و از آن استفاده می‌کند، چراکه مدیران می‌توانند از دانش گذشته خود و همچنین از دانشی که می‌آموزند، بهره ببرند و سازمان را در اهدافی که دارد مدیریت کنند. برخی نیز مدیریت را به اکتسابی و ذاتی تقسیم‌بندی می‌کنند که به دلیل خروج موضوعی از عنوان پژوهش و تعهد به عنوان، از آن عبور می‌شود، لکن به در یک کلام، می‌توان به تدبیرکننده مدیریت، عنوان مدیر اطلاق نمود.

۲- حج

واژه عربی حجّ یا حجّ را دلیل و برهان آوردن و امری مهم را قصدکردن معنا کرده‌اند (۵). حج در لغت، به معنی قصد به شیء معظم است و در شرع مقدس اسلام، اراده و قصد مکلف به بیت‌الله الحرام با اوصاف مخصوص در زمان مخصوص و با شرائط ویژه را می‌باشد (۶). علاوه بر این، در تفسیر مجمع‌البیان نیز معنای لغوی حج، قصد پی در پی دانسته شده و در شریعت، قصد خانه خدا برای عمل معنا شده است (۷). راغب اصفهانی اصل حج را قصد زیارت دانسته و گفته است: حج مصدر است، یعنی زیارت‌کردن و حجّ اسم آن است (۸). در کتاب معارف و معاریف نیز حج این‌گونه معنی شده است که: «حجّ (به فتح حاء، به کسر نیز جایز است) آهنگ کاری یا جایی‌کردن و حسب بعضی کتب لغت، آهنگ امری مهم‌نمودن...» (۳). حج در اصطلاح شرع، آهنگ موضع مخصوص (بیت‌الله الحرام و عرفه در وقت مخصوص) اشهر حج: شوال، ذیقعد، ذیحجه (به منظور انجام اعمال مخصوصه) است (۳).

۳- قرآن

قرآن، کتاب آسمانی دین اسلام به شمار می‌رود. به باور مسلمانان، قرآن کلام خداوند است که توسط جبرئیل به پیامبر اسلام (ص) وحی شده است. ایشان محتوا و الفاظ آن را نازل شده از سوی خداوند می‌دانند و معتقدند قرآن معجزه و نشانه پیامبری حضرت محمد (ص) و آخرین کتاب آسمانی الهی است. این کتاب بر معجزه‌بودن خود تأکید کرده و دلیل اعجازش را آن دانسته است که کسی نمی‌تواند ماندنی برای آن بیاورد. قرآن، فرقان، الکتاب و مُصَحَّف از مشهورترین نام‌های قرآن است. قرآن با ۱۱۴ سوره و نزدیک به ۶۰۰۰ آیه، به ۳۰ جزء و ۱۲۰ حزب تقسیم شده است (۹).

قرآن در اصطلاح «کلام الله مجید و آخرین کتاب آسمانی، که به طریق وحی بر قلب آخرین پیامبر خدا، محمد بن عبدالله (ص) نازل گردیده، مجموعه آیاتی که از اول بعثت تا آخر سال رحلت، تدریجاً و بر حسب اقتضای احوال و به مقتضای نیازهای فردی و اجتماعی بشر از جانب خداوند فرود آمد و به وسیله کتاب وحی به رشته تحریر درآمده است» (۳).

جایگاه حج در قرآن و روایات

۱- بررسی آیات قرآن

چون قرآن در رأس منابع معتبر اسلامی و فریقین است، لذا با مراجعه به قرآن که تبیان لکل شیء است اهمیت و جایگاه حج را مورد بررسی قرار می‌دهیم. قرآن این معجزه جاودان الهی، چشمه جوشانی است که هرگز خشک نمی‌گردد. دریای بیکرانی که به عمقش نمی‌توان رسید (۱۰). سفره گسترده‌ای که هرکس به اندازه ظرفیتش و به میزان تشنگی‌اش از آن بهره می‌گیرد (۱۱). در عظمت قرآن همین بس که گفته‌اند کلامی است از خداوند بزرگ و تراوشی است از علم بی‌انتهای او که هرگز پنجه محدود فکر بشر نمی‌تواند به همه اسرار و گنجینه‌های نهفته در آن دست پیدا کند. گویی قرآن اقیانوس ژرفی است که هرچه بررسی و تحقیق بیشتر، رموز و اسرار آن متجلی‌تر می‌گردد. بر این اساس برای پی‌بردن به اهمیت و جایگاه حج به برخی از آیات مرتبط با این مسأله پرداخته می‌شود تا اهمیت آن برای مبحث حاضر روشن شود.

حج از جمله عباداتی است که بسیاری از فضایل اخلاقی و انسانی مانند اخلاص و ذکر خدا و طهارت نفس و تزکیه روح در آن مطرح است، زیرا حج را باید برای رضای خدا به جا آورد. در کلام الهی آمده است: «و اتّٰمّوا الحجّ والعمره لله» (۱۲). بنابراین جایگاه حج به عنوان عملی دینی و تاریخی به خوبی در آیات قرآن کریم قابل مشاهده است، از جمله این‌که حج تجسم اصولی هر اعتقادی است، زیرا حج از آغاز تا پایان نمونه‌ایی از تجلی توحید و طرد شرک است. «و لله علی الناس حجّ البیت» (۱۲). «و برای خدا حج آن خانه بر عهده مردم است». همچنین حج محل حضور به مقام شامخ نبوت و رسالت است. «و اذن فی الناس بالحجّ یأتوک رجالاً و علی کل ضامر یأتین من کل فجّ عمیق؛ و در میان مردم برای ادای حج بانگ برآورد تا (زایران) پیاده (و سوار) بر هر شتر لاغری که از راه دور می‌آیند، به سوی تو روی آورند» (۱۲).

حج یادآور موضوع عالم محشر و عرصه قیامت است. شاید به همین جهت باشد که در آغاز سوره حج موضوع قیامت مطرح شده است «یا ایها الناس اتقوا ربکم انّ زلزله الساعه شیء

عظیم؛ ای مردم از پروردگار خود پروا کنید، چراکه زلزله رستاخیز، امری هولناک است» (۱۲). بنابراین مناسک حج و حضور در مواقع و میقات‌های آن هر یک نمونه‌ای از حشر و قیامت است که از جمله آماده‌شدن برای سفر حج و پرداخت بدهی‌های شرعی و قانونی و رد مظالم و وصیت و خداحافظی، یادآور حالت احتضار و سفر به عالم آخرت است.

حرکت اعضای کاروان به دنبال روحانی و مدیر کاروان یادآور «یوم ندعوا کل أناس بإمامهم؛ روزی که ما هر گروهی از مردم را با پیشوایشان می‌خوانیم» (۱۲)، است. همچنین عاری بودن از مظاهر و مفاخر دنیوی چون لباس و زینت و زیور و پوشیدن دو جامه احرام، یادآور پوشیدن کفن است، به ویژه با توجه به این‌که برای حج‌گذار مستحب است در همان لباس کفن شود. کوچ‌کردن از عرفات به طرف مشعر و بعد به طرف منا مظهری است از «یخرجون من الاجداث کانهم جراد منتشر؛ همچون ملخ‌های پراکنده از قبرها خارج می‌شوند» (۱۲).

در آیات دیگری بر تواضع و فروتنی عمل حج تأکید شده است، چنانچه بیان می‌شود فروتنی و تذلل هنگام انجام مناسک در پیشگاه خداوند یادآور خضوع و فروتنی همه چهره‌ها در قیامت است. «و عنت الوجوه للحی القيوم وَ قَدْ خَابَ مَنْ حَمَلَ ظُلْمًا؛ و چهره‌ها برای آن {خدا} زنده پاینده خضوع می‌کنند و آن کس که ظلمی بر دوش دارد، نومید می‌ماند» (۱۲).

در آیات دیگری، اقرار و اعتراف حج‌گذار به گناهان خویش، اعتراف به گناه در قیامت را تداعی می‌کند که برخی در پیشگاه خداوند می‌گویند: «فاعترفنا بذنوبنا فهل الی خروج من سبیل؛ به گناهان خود معترفیم آیا راهی برای خارج‌شدن از دوزخ وجود دارد؟» (۱۲).

پس چنانکه شرح آن رفت یکی از فرایض بسیار مهم در اسلام فریضه حج است که بر انسان مستطیع انجام این عمل عبادی لازم است. قرآن کریم می‌فرماید: «و لله علی الناس حج البیت من استطاع الیه سبیلاً؛ و برای خدا حج آن خانه بر عهده مردم است کسی که بتواند به سوی آن راه یابد» (۱۲).

در آیه ۹۷ سوره آل عمران به اولین نکته‌ای که اشاره می‌شود، این است که مردم باید حج خانه خدا را فقط برای الله

(بدون هر نیت دیگری) به جای آورند. «و لله علی الناس حج البیت من استطاع الیه سبیلاً و من کفر فان الله غنی عن العالمین؛ و برای خدا بر عهده مردم است که قصد حج آن خانه را نمایند، هرکس توانایی این راه را دارد و هرکس کفر ورزد (و با داشتن توانایی به حج نرود بداند که) همانا خداوند از همه جهانیان بی‌نیاز است» (۱۲).

در توضیح این آیه چنین گفته می‌شود که حج در زمره واجبات الهی است که در تمام ایام عمر یکبار با شرایط خاصی واجب می‌شود و این آیه از آیاتی است که دلالت بر وجوب حج دارد، لیکن نحوه بیان وجوب حج در این آیه کریمه به نحوی است که در هیچ یک از واجبات دیگر به چشم نمی‌خورد، بیان وجوب حج در این آیه مانند بیان وجوب نماز و زکات نیست، بلکه به مثابه میثاق و عهده‌ی الهی می‌باشد که بر عهده تمامی انسان‌ها گذاشته شده است.

۲- بررسی روایات

حج در روایات و معارف دینی از منزلت ویژه‌ای برخوردار است. از این رو به عنوان پرچم اسلام در روایات و دین اسلام از آن یاد گردیده است، چنانکه در نهج‌البلاغه، امام علی (ع) فرموده است: «جعل له للاسلامه علماً؛ در اسلام حج پرچم قرار داده شده است» (۱۰) یا در جایی دیگر حج در معارف دینی عامل آرامش روح معرفی شده است: «الحج تسکین القلوب» (۱۳).

پیامبر گرامی اسلام در یک بیان نورانی حج را عصاره اسلام و معادل شریعت دانسته است. به فرموده ایشان: «والخامسه الحج و هی الشریعه» (۱۴). همچنانکه مرحوم شیخ صدوق (ره) در کتاب شریف خصال ضمن اشاره به این روایت فرمود: «قد جاء فی تعلیل الرسول للحج ضمن تعلیه لسائر الفرائض بانه معادل لتمام الشریعه» (۱۵)، پس حج نمونه و مدل کوچکی از اسلام بزرگ است. گویا خداوند متعال اراده کرده است که اسلام را در همه ابعادش در یک عبادت جای دهد تا حاجی کل اسلام را یک‌باره تجربه نماید. مرحوم صاحب جواهر نیز، حج را عملی بسیار بزرگ تعریف نموده است که هیچ چیز با آن برابری نمی‌کند (۱۶).

محبت و مهرورزی

از منظر آموزه‌های اسلامی، اخلاق هنگامی می‌تواند بسط یابد که بر اساس محبت و ابراز علاقه به دیگران صورت پذیرد، چنانچه پیام‌های الهی علاوه بر نفوذ در خرد‌ها، در دل‌های مردم نیز باید نفوذ کند و در اعماق روح آنان وارد شود تا بتواند متحولشان سازد و در راه رسیدن به مقصد اعلای انسانیت و جامعه ایده‌آل توحیدی، آن‌ها را به حرکت درآورد. مهم‌ترین روش برای تأثیرگذاری پیام‌های الهی در جان مردم، به کارگیری «محبت» است. قرآن نیز مهم‌ترین راز توفیق پیامبر اسلام (ص) را در امر مدیریت دینی، مهرورزی و حسن خلق آن حضرت می‌داند. حسن خلق و نرم‌خویی پیامبر، یارانش را چنان شیفته خود کرده بود که با تمام وجود به او عشق می‌ورزیدند و دشمنان قسم خورده‌اش نیز در اثر این خصلت والای انسانی، تبدیل به دوستان با وفای او شدند. خداوند در سوره توبه با اشاره به مهربانی، دلسوزی و مردم‌داری پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ؛ برای شما پیامبری از جنس خودتان آمد که بر او دشوار است که شما در رنج و زحمت بیفتید. به هدایت شما حریص و نسبت به مؤمنان دلسوز و مهربان است» (۱۲).

نرمی، تنها صفت سخن نیست، بلکه در برخوردها نیز لازم است، چراکه با رفتار توأم با نرمی و مهربانی، مردم به سمت دین خدا کشیده می‌شوند و به تجربه ثابت شده است که با زور و اکراه نمی‌توان کسی را هدایت نمود. این موضوع در قالب استفهام از رسول گرامی اسلام (ص) نیز پرسیده شده است. جایی که می‌فرماید: «... أَفَأَنْتَ تُكْرِهُ النَّاسَ حَتَّى يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ...؟ ای رسول! آیا تو می‌توانی همه را با جبر و اکراه مؤمن گردانی؟» (۱۲).

مهربانی با مردم، آنان را جذب می‌کند و تندخویی و سخت دل‌بودن، آن‌ها را از دین خدا، دور می‌سازد. این کلام خدای متعال است که خطاب به رسول گرامی خود می‌فرماید: «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَ لَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ...؛ ای رسول، رحمت خدا تو را مهربان و خوش‌خلق

روایات عدیده‌ای در خصوص اهمیت و جایگاه حج قابل ذکر است و باید اذعان داشت که از منظر روایات، سخن گفتن و قلم‌زدن پیرامون فریضه‌ای که آیین تمام‌نمای اسلام و جلوه گاهی شریف است، کاری بس دشوار، بلکه تمام‌نشدنی است، همچنانکه رئیس مذهب شیعه حضرت جعفر بن محمد الصادق (ع) در پاسخ سؤال زاره (یابن رسول‌الله چند سال است از شما درباره حج می‌پرسم و شما پاسخ می‌فرمایید) فرمود: ای زاره خانه‌ای که دو هزار سال پیش از آدم به سوی آن حج گزارده می‌شود، آیا می‌شود مسائل آن در عرض چهل سال پایان پذیرد؟ (۱۴).

بنابراین از گنجینه‌های نهفته در کلام الهی و روایات، مراسم باشکوه حج است که هرچه بررسی و تحقیق در اطراف آن بیشتر گردد، معارف و رموز و اسرار آن آشکارتر خواهد شد، لذا غور و تفحص در اقیانوس ژرفناک حکمت حج ما را به سرچشمه‌های زلال اندیشه‌های تابناک و روشن الهی می‌رساند. از این رو تعبیر وجوب حج به سیاق خطاب امری آن‌گونه که در مورد سایر عبادات بیان شده، نیست، بلکه در قالب میثاق و عهد مخصوص الهی با اسم جلاله در حالی که مقدم بر متعلق خود گردیده، بیان شده است که در هیچ یک از عبادات دیگر نمونه ندارد. چنانکه امام صادق (ع) در این زمینه فرمود: «... اعلم بان الله تعالى لم يفترض الحج و لم يخصصه من جميع الطاعات باضافه الى نفسه بقوله عز و جل و لله على الناس» (۱۳).

به هر تقدیر، مقام و منزلت حج بیانگر آن است که مسأله مدیریت آن در زمان حاضر بسیار مهم و دارای آثار قابل توجهی بر زندگی مسلمانان می‌باشد. به دیگر سخن، تأکید بر مسأله حج در آیات و روایات نشانگر اهمیت مدیریت آن در دوره جدید است که می‌تواند آثار و پیامدهای مثبتی برای اسلام و مسلمانان در پی داشته باشد، ضمن این‌که اهمیت یافتن اخلاق در عرصه حیات بشری و سازگاری مدیریت حج با این تحولات به عنوان ضرورت‌هایی برشمرده می‌شود که می‌تواند زوایای جدیدی از اخلاق زیستی اسلامی را به ما نشان دهد. در ادامه، به مهم‌ترین محورهای اخلاقی مدیریت در زمینه عمل حج پرداخته می‌شود.

گردانید و اگر تندخو و سخت دل می بودی، مردم از گرد تو پراکنده می شدند...» (۱۲).

«وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ؛ ما تو را مایه «رحمت» بر جهانیان فرستادیم» (۱۲)، «... وَ قُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَعْرُوفًا؛ ... پس با آنان به نیکی سخن بگو، زیرا نیک سخن گفتن و مهربانی با مردم، برآورنده توست» (۱۲).

آری، از محبت است که خارها گل می شود. انسان روح لطیفی دارد و غرق در احساس و عاطفه است و با کمترین رأفت و مهربانی شیفته دین خدا که دین مهربانی است می شود.

«وَلَا تَسْتَوِ الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَخْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَ بَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ؛ هرگز نیکی و بدی در جهان یکسان نیست (ای رسول) بدی خلق را با خوبی پاسخ ده، گویی همان کس که با تو بر سر دشمنی است، دوست و خویش تو شده است» (۱۲).

به کارگیری محبت در امر مدیریت، زمینه پذیرش پیامها را در مخاطبان فراهم می سازد. دلها را نرم و انسان را بر اساس آموزه های دینی تربیت می کند. تربیت نیز از این اصل به دور نیست و مربی باید به این صفت مزین گردد. از آنجا که تربیت، یک فعالیت اجتماعی است و مربی، در ارتباط مستقیم با افراد قرار دارد، دقت در نحوه بیان و ارائه مطالب، از اهمیت ویژه ای برخوردار خواهد بود. اگر مربی، دارای رفتاری تند و خشن و انعطاف ناپذیر باشد، دیری نخواهد پایید که افراد، از گرد او پراکنده خواهند شد. مدیریت حج نیز در کنار مسائل مدیریتی با مسائل تربیتی گره خورده است و مدیر حج به مثابه مربی مدبر است.

مدیریت عمومی و پرهیز از مدیریت بخشی

محور اساسی اخلاق در مدیریت حج بر این مبنا باید دنبال شود که خانه خدا مکانی برای کلیه زائران از نقاط مختلف جهان است و از این رو نمی توان با قائل شدن امتیازاتی خاص برای کشور میزبان و یا سایر کشورهای همجوار، باعث محرومیت دیگران شد. از این منظر، دو شهر مکه و مدینه و همچنین مسجدالحرام و خانه کعبه متعلق به عموم جامعه

اسلامی است، چنانکه خداوند برای نام نهادن بر خانه خود از واژه بیت عتیق استفاده کرده و فرموده است: «... وَلْيَطَّوَّفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ» (۱۲). برخی گفته اند این نامگذاری، از آن روست که کعبه دارای قدمت و تاریخی کهن و ارزنده و گران بها می باشد، لیکن براساس برخی از روایات، امام باقر (ع) در خصوص این نامگذاری فرموده اند: «کعبه، بیت آزادی است که هیچ گاه ملک کسی نبوده است» (۱۳). به این معنا که این خانه، خانه آزاد است و هیچ کس نمی تواند مالک آن باشد.

اخلاق عمومی ایجاب می کند که رویکردی بین المللی نسبت به مسأله حج وجود داشته باشد تا شاهد گسترش عدالت و برابری در میان زائران خانه خدا باشیم. در همین راستا در تفسیر نور آمده است: «مسجدالحرام منطقه بین المللی است و همچون آسمانها و اقیانوسها حق هیچ فردی و کشور و حکومتی نیست» (۱۷). همچنین در این مقام، می توان به این آیه کریمه اشاره داشت: «إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَ يَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ وَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ الَّذِي جَعَلْنَاهُ لِلنَّاسِ سَوَاءً الْعَاكِفُ فِيهِ وَ الْبَادِ وَ مَنْ يَرِدْ فِيهِ بِالْحَادِ يَظْلَمُ نُفْسَهُ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ؛ بی گمان کسانی که کافر شدند و از راه خدا و مسجدالحرام که آن را برای مردم، اعم از مقیم در آنجا و بادیه نشین یکسان قرار داده ایم جلوگیری می کنند و [نیز] هر که بخواهد در آنجا به ستم [از حق] منحرف شود او را از عذابی دردناک می چشانیم» (۱۲).

در همین راستا و جهت بسط و گسترش عدالت و اخلاق اسلامی، دیدگاه های مترقیانه ای بیان شده است تا جایی که بعضی با قائل شدن به معنی وسیع تر برای آن، گفته اند: «نه تنها در مراسم عبادت مردم یکسانند، بلکه در استفاده کردن از زمین و خانه های اطراف مکه برای استراحت و سایر نیازهای خود نیز باید مساوات باشد. به همین جهت، جمعی از فقها خرید و فروش و اجاره خانه های مکه را تحریم کرده اند و آیه فوق را شاهد بر آن می دانند» (۱۸).

اینک با مقوله ای مواجه هستیم که از یکسو، میزبان خود را مالک بیت عتیق دانسته و برای آن مقرراتی وضع نموده است و از سوی دیگر، اعمالی باید در سرزمین مکه به جای آورده شود که ممکن است با منافع دنیوی حاکمان، در تضاد باشد.

دقیقاً با درک مفهومی واژه برائت می‌توان به فریاد برائت از مشرکین پی برد.

نکته حائز اهمیت در اثربخشی مدیر در این بحران، ظهور پیدا می‌کند که چگونه با مدیریت خویش، ضمن حفظ جان مسلمین که از اهم واجبات است، اعمال حج، به ویژه فریاد برائت از مشرکین را، که از ارکان سیاسی حج است، برگزار نماید؟ پاسخ، دقیقاً در ارتقای سطح علمی و دانش سیاسی و توانمندی‌های مدیر نهفته است. برنامه‌ریزی و اتخاذ تصمیمات مناسب وی در این بحران، می‌تواند ضمن کاهش تحدید مقامات کارگزار، اثربخشی حج در بین مسلمانان شرکت‌کننده در مناسک حج و همچنین رساندن ندای مظلومیت آنان در سرتاسر جهان را موجب گردد و در واقع، تحدید پیش آمده را به فرصتی مناسب برای گسترش اسلام و روحیه مهربانی و صلح‌دوست بودن آن در میان سایر ملل تبدیل کند.

بصیرت در مدیریت

بصیرت مدیر کاروان و دست‌اندرکاران مناسک حج مهم‌ترین عامل و شاخصه است برای این‌که توأم با عطوفت و مهرورزی دستورات الهی برای حجاج به صورت عملی و مؤثر بیان گردد. قطعاً اقدام صحیح مدیران، بیش از هزاران کتاب و سخنرانی که در این حوزه نگاشته و تبیین می‌شود، تأثیرگذار خواهد بود. در اصطلاح بصیرت، نوعی بینش درباره حق و حقیقت وجود دارد که در رفتارهای فردی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و... بروز و نمود می‌یابد و موجب می‌شود، انسان در همه عرصه‌ها، به ویژه عرصه اجتماعی - سیاسی، رفتارهای همسو با حق داشته باشد. به طور خلاصه، بصیرت در اصطلاح چهره «روشن‌بینی در دین است» (۱۹). روشن است که علم و دانشی به بصیرت و حکمت منجر می‌شود و دارای ارزش و اعتبار خواهد بود که از روی تفکر و تعقل و خردورزی برای انسان حاصل شده باشد، اما با توجه به آیات، علم و حکمتی که خداوند از آن یاد می‌کند، همه را عنایت خود به رسولان می‌داند. این نکته ما را متوجه این موضوع می‌کند که تعقل و تفکر انسانی بدون عنایت و توفیق الهی به حکمت و بصیرت نمی‌انجامد. هر اندازه انسان با محتوای پیام خداوند و قرآن

کریم، معارف، آموزه‌های دینی و الهی و همچنین گفتار و عمل سیره نبوی و اولیای خدا بیشتر آشنایی پیدا کند، بیشتر زمینه بصیرت و روشن‌بینی در دین برای او فراهم می‌گردد. در همین زمینه می‌توان گفت توأم شدن مدیریت حج با بصیرت از معیارهای اخلاقی به شمار می‌رود که امروزه می‌تواند به عنوان رویکردی مؤثر و عملگرایانه در عرصه اخلاق زیستی اسلامی به حساب آید.

هماهنگی گفتار و عمل

همسویی و هم‌نوایی گفتار و عمل یکی از مصادیق اخلاق در مدیریت حج به شمار می‌رود. بنابراین یک مدیر برای این‌که پیام‌هایش به صورت صحیح در مخاطب تأثیر بگذارد، باید خود بدان عامل باشد و به آن پیام جامه عمل ببوشاند. در قرآن در خصوص هماهنگی گفتار و عمل و عامل بودن به سخن چنین آمده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ؛ كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! چرا چیزی را می‌گویید که عمل نمی‌کنید. نزد خدا بسیار خشم‌آور است که سخنی بگویید که عمل نمی‌کنید» (۱۲).

مسأله هماهنگی گفتار و عمل به عنوان رویکردی اخلاقی از دیرباز در سنت و رفتار ائمه معصوم (ع) نیز دیده می‌شود. چنانچه گفته می‌شود: «بررسی زندگی پیشوایان دین نشان می‌دهد که آن‌ها نه تنها به محتوای پیام و گفتار خود عمل می‌کردند، بلکه در عمل هم نسبت به دیگران پیش‌قدم بودند» (۲۰). به همین دلیل یکی از علل پیشرفت رسول اکرم (ص) در رسالت الهی‌اش آن بود که هرچه را می‌گفت و به مردم دستور می‌داد، خود بدان عامل بود و همین امر، تأثیر کلام آن حضرت را پیوسته در قلوب مردم می‌افزود. ائمه معصومین (ع) نیز چنین بودند، آنچه را که می‌دانستند خود به کار می‌بستند و به مردم نیز یاد می‌دادند و توصیه به عمل می‌نمودند. بنابراین در مسأله مدیریت حج، مدیر باید پیام خدا را برساند، خود به آن عمل کند و در عمل به آن اهتمام و پشتکار داشته باشد، همچون رسول خدا (ص) که همیشه در حال جوش و خروش بود و لحظه‌ای آرام نمی‌گرفت: «فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ؛ وَ إِلَى رَبِّكَ فَأَرْعَبْ؛ ای رسول ما! هنگامی که از کاری فارغ شدی،

خود را به زحمت ببنداز و همیشه به سوی خدای خود مشتاق باش» (۱۲).

بدین ترتیب پشتکار مدیر، منحصر در امر اجرا نمی‌شود، بلکه باید در راه افزودن بر علم و آگاهی خود نیز بکوشد، چراکه در هر زمانی نیاز به معلومات جدید دارد و تکیه بر مطالعات قبلی کفایت نخواهد نمود. بر این اساس، از منظر اخلاقی، مدیر و مربی، امام و رهبر دیگران هستند، پس باید خود در همه کارها پیشگام باشند و قبل از مدیریت بر دیگران به تعلیم خود بپردازند، آن‌ها باید قبل از این‌که مردم را به انجام کارهای خوب دستور دهند، خود، آن‌ها را انجام داده و قبل از نهی از اعمال زشت و ناروا، خود، آن اعمال را ترک کرده باشند، چراکه این صفت رسولان الهی بوده است. به بیان قرآن کریم: «وَمَا أُرِيدُ أَنْ أُخَالِفَكُمْ إِلَىٰ مَا أَنْهَاكُمْ عَنْهُ إِنَّ أُرِيدُ إِلَّا الْإِصْلَاحَ مَا اسْتِطَعْتُ؛ مَنْ هَرَّكَزْ نَمِي خَوَاهِمَ چِيزِي كِه شَمَا رَا از آن باز می‌دارم مرتکب شوم، مَنْ جَزْ اَصْلَاحَ تَا اَنْجَا كِه تَوَانَايِي دارم نمی‌خواهم» (۱۲).

عدالت‌محوری و پرهیز از تعصبات قومی و ملی

عدالت به عنوان مولفه‌ای اساسی در اخلاق زیستی به شمار می‌رود و در اسلام نیز یکی از اصول بنیادین است که مورد تأکید قرآن و روایات قرار گرفته است (۲۱). عدالت و عدل‌ورزی از ویژگی‌های بارز و ضروری در مدیریت اسلامی است. در همین راستا، شهید مطهری در خصوص تعریف عدل اشعار می‌دارد: «عدل، یعنی اعطای هر حقی به صاحب حق و یا وضع هر چیز در جای خودش» (۲۲). بر همین اساس، یکی از ویژگی‌های اخلاقی مدیریت حج این است که مدیر متصف به صفت عدالت باشد و هرگز تعصبات قومی، قبیله‌ای، ملی و میهنی را به عنوان ملاک قضاوت و عمل بین حج‌گزاران قرار ندهد. در این خصوص، قرآن کریم می‌فرماید: «... وَ إِذَا قُلْتُمْ فَاعْدِلُوا...» و هرگاه سخنی گوید به عدالت گوید...»

همچنین می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ؛ به راستی خدا به عدالت و (بلکه) به احسان و تفضل بر دیگران و عطا به خویشان امر و از کار بسیار زشت و منکر و تجاوز به

مردم نهی می‌کند. خدا شما را پند می‌دهد شاید متذکر شوید» (۱۲).

«إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ إِنَّ اللَّهَ نِعِمَّا يَعِظُكُمْ بِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ سَمِيعًا بَصِيرًا؛ به راستی خداوند به شما امر می‌کند که امانات را به اهلهش ادا کنید و نیز امر می‌کند که چون بین مردم حکومت می‌کنید به عدالت حکم نمایید. مسلماً خداوند شما را به خوب چیزی پند می‌دهد، خداوند شنوای بیناست» (۱۲).

از دلایل مهم مدیریت مبتنی بر عدالت در فریضه حج آن است که باعث نظم و انضباط و قرارگرفتن انسان‌ها در جایگاه خاص خودشان می‌شود. حضرت علی (ع) در حکمت ۴۳۷ نهج‌البلاغه می‌فرماید: «الْعَدْلُ يَضَعُ الْأُمُورَ مَوَاضِعَهَا؛ عدل کارها و امور را در جایگاه خودشان قرار می‌دهد» (۲۳).

بر این اساس اخلاق مدیریتی ایجاب می‌کند که در امر حج و در باب اجرا، موضع‌گیری‌ها و برخوردهای مدیریت توأم با عدالت باشد. همچنین از باب اخلاق مدیریتی باید ضوابط را فدای روابط و دوستی‌ها نکند و هیچ‌گونه امتیازی برای غیر مستحق، گرچه از خویشان و نزدیکان باشد، قائل نگردد. چنانکه قرآن می‌فرماید: «وَ إِذَا قُلْتُمْ فَاعْدِلُوا؛ هرگاه سخن گفتید عدالت را رعایت کنید» (۱۲).

قاعده عدالت در مدیریت حج می‌بایست شامل همه حج‌گزاران باشد. بدین معنا که نه فقط در مورد دوستان، بلکه در مورد دشمنان نیز نباید حق فراموش شود. به تعبیر قرآن کریم که در این باره می‌فرماید: «لَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ؛ دشمنی با قومی سبب نشود که با عدالت رفتار نکنید. عدالت داشته باشید که به تقوا نزدیک‌تر است» (۱۲).

مدیر خاص و مخاطب خاص

باید دانست که در هنگام برگزاری مناسک حج، مدیران کاروان‌ها با مخاطبانی خاص مواجه خواهند شد که فارغ از نژاد و رنگ و قومیت و... دست از مطامع دنیا شسته و به امید بهره‌مندی از فیوض معنوی حج، پای در این سفر نهاده‌اند، لذا باید با رعایت آداب مدیریتی و سعه صدر مبادرت به انتقال

پیام نمود و این مهم حاصل نخواهد شد، مگر آنکه مدیر خود واجد توانایی‌هایی بالقوه باشد، زیرا زائران از جهت ویژگی‌های روحی - روانی، دلبستگی بیشتری به خدا پیدا می‌کنند و شایسته مدیری کاردان خواهند بود. پیامبر گرامی اسلام (ص) فرمود: «مَنْ وَلِيَ عَلَى عَشْرَةٍ كَانَ لَهُ عَقْلٌ أَرْبَعِينَ وَمَنْ وَلِيَ أَرْبَعِينَ كَانَ لَهُ عَقْلٌ أَرْبَعًا»؛ هر که زمامدار ده تن شود، عقل چهل تن دارد و هر که زمامدار چهل تن شود، عقل چهارصد تن دارد» (۲۴).

این سخن حاوی پیامی ارزشمند در باب توانایی مدیریتی است که می‌تواند با عقلانیت و توانایی شخصی فرد مدیر انجام پذیرد، ضمن این‌که مسأله حج و مدیریت آن، از منظر نگاه فراملی و فراسرزمینی مورد توجه است و می‌بایست با همان رویکرد «مخاطب خاص» به آن توجه نشان داده شود. با این حال، در باب ضرورت وجود یک مدیر کاردان می‌توان به حدیث شریفی از امام رضا (ع) استناد کرد که فرموده است: «در مطالعه احوال بشر، هیچ گروه و ملتی را نمی‌یابیم که در زندگی موفق و پایدار باشد، مگر با وجود مدیر و سرپرستی که امور مادی و معنوی آنان را سرپرستی کند» (۱۳). بدین ترتیب با مذاقه در این کلام وزین، ضرورت وجود مدیر کاردان به خوبی مشخص می‌شود.

این مهم در فرمایشات خداوند رحمان در قرآن کریم و بیان خصایص مدیر و سرپرستی نیز نهفته است. به عنوان مثال در داستان حضرت ابراهیم (ع) که حاوی نکته‌های اخلاقی، اجتماعی، فرهنگی و تربیتی است با اشاره به مسأله امامت و مدیریت، می‌فرماید: «وَ إِذَا ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ» و چون ابراهیم را پروردگارش با کلماتی بیازمود و وی آن همه را به انجام رسانید [خدا به او] فرمود من تو را پیشوای مردم قرار دادم [ابراهیم] پرسید از دودمانم [چطور] فرمود پیمان من به بیدادگران نمی‌رسد» (۱۲).

نکته‌ای که از این آیه می‌توان فهمید، این است که خداوند پس از آزمودن حضرت ابراهیم به انواع بلاها و سختی‌ها و آزمایش‌ها، وی را به مقام امامت رسانید. بنابراین از آیه چنین استنباط می‌شود که هر فردی بخواهد به مقام امامت و مدیریت جامعه و یا گروهی برسد باید در زندگی سختی‌ها و

بلاهای گوناگونی را تجربه کرده باشد. انسان‌هایی که در آسایش و راحتی زندگی کرده‌اند، نمی‌توانند مدیریت افراد را به عهده گیرند. امتحان جز با برنامه عملی صورت نمی‌گیرد و کلمات در این آیه مبین آن است (۲۵). در واقع، بیان این موضوع ضرورت تجربیات یک فرد در وصول به مقام مدیریت را می‌رساند. به عبارت دیگر، فردی که مقرر است در هیئت یک مدیر، کاروان یا گروهی را سرپرستی کند، می‌بایست علاوه بر داشتن شرایط شکلی و دارا بودن تمامی خصایص یک مدیر اجرایی، شرایط ماهوی را داشته باشد. در حقیقت، در عصر تکنولوژی و قرن ۲۱، عبور سطحی از مباحث علمی مدیریت، خطایی بزرگ قلمداد می‌شود، زیرا یک مدیر با توجه به پیچیدگی‌های جامعه بشری در عصر کنونی، باید به علم آن نیز تجهیز و مسلح شود. این رویکرد به طریق اولی در مسأله مدیریت حج به عنوان مهم‌ترین اجتماع مسلمانان بسیار مورد توجه است. به علاوه از جهت جامعه‌شناختی، مدیر حج، باید به آداب و رسوم، سبک زندگی و طبقه اجتماعی زائر، به عنوان مخاطب اصلی دقت کند و ضروری است در فرایند تبلیغ دین و متناسب کردن مناسک حج با اهداف ابراهیمی آن، به موانع تبلیغی هم توجه کامل داشته باشد. موانعی از قبیل جاذبه‌های مادی محیطی و نگرش‌های توریستی سفر حج، که ممکن است زائر حج را که اصلی‌ترین مخاطب پیام دینی است از درک معنای حج دور سازد و مدیر توانا می‌تواند به نوعی که موجب دلزدگی زائر نشود او را از هوای دنیایی دور و به هدف حج و افزایش بصیرت و آگاهی اسلامی و سیاسی رهنمون سازد.

نتیجه‌گیری

حج به عنوان یک کنگره جهانی و دینی، مقوله‌ای عمومی و همگانی محسوب می‌شود، به همین دلیل مدیریت آن نیز نیازمند همکاری و مشارکت ملی است که در این عمل بزرگ حضور می‌یابند. این موضوع از منظر دینی و اخلاقی دارای پشتوانه است و با عنایت به معیارهای حقوق بین‌الملل، با حفظ اصل صلاحیت سرزمینی نیز همخوان است. از آنجا که حج و مناسک آن متعلق به تمام مسلمانان جهان است و نمی‌تواند در حاکمیت یک دولت خاص باشد، لذا مدیریت حج،

بایستی توسط تمام نمایندگان دولت‌های اسلامی و جهان اسلام باشد. ما برای این ادعا شاهد عینی نیز در جهان معاصر داریم، آنچنانکه حکومت مسیحی واتیکان به عنوان یک کشور مستقل در کشور ایتالیا اداره می‌شود. با این حال، مدیریت حج نیازمند مدیریت اخلاقی و مبتنی بر اخلاق اسلامی است که بتواند الگویی برای اخلاق زیستی در دوره معاصر تلقی شود. این موضوع از آن جهت نیز مهم است که با توجه به اثرگذاری مراسم حج، نحوه و چگونگی مدیریت آن می‌تواند آئینه تمام نمای مدیریت اسلامی باشد و الگویی از مدیریت اسلامی مبتنی بر اخلاق را به جهانیان نشان دهد.

مدیریت اخلاقی، مبتنی بر مؤلفه‌ها و ابعاد مختلفی است که در پرتو تعالیم الهی و در زمانی خاص، مانند مناسک حج ضمن عبور از بحران، بتواند جنبه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، بین‌المللی، معنوی و عاطفی حج را در کنار جنبه تبعیدی آن، جامه عمل بپوشاند و مسلمانان را فارغ از رنگ و نژاد، یکی بداند. این امر در وهله اول نیازمند رعایت اصل محبت و مهرورزی است که در آیات و سیره پیامبر گرامی اسلام (ص) و همچنین ائمه معصوم (ع)، مشهود است. در کنار این موارد می‌توان با بهره‌گیری از مدیریت نوین، پایه‌های اخلاقی مدیریت حج را تقویت نمود که از جمله می‌تواند شامل مدیریت عمومی و جهان‌شمول، بصیرت در مدیریت، هماهنگی گفتار و عمل مدیران، عدالت‌محوری و پرهیز از گرایش‌های قومی و قبیله‌ای و مد نظر قراردادن اصل «مخاطب خاص، مدیر خاص» باشد که در نهایت می‌تواند مدیریت حج را به عنوان جلوه‌ای از اخلاق اسلامی به سایر ملل و دولت‌های جهان نشان دهد. این ضوابط علمی و دینی، که مستلزم داشتن توانمندی‌های خاص، مانند اخلاص در عمل، سعه صدر، مسلح‌بودن به علم روز، شجاعت، بصیرت، بینش سیاسی - اسلامی و... است، موجب سامان‌بخشی به اخلاق زیستی اسلامی در این حوزه خواهد گردید. علاوه بر ملاحظه جنبه‌های ذاتی خصائص مدیریتی، ضروری است نسبت به مطالعه نظام رفتاری و ارزیابی آن، توجه نمود و با ایجاد افزایش سطح آگاهی‌های سیاسی و بین‌المللی و شناسایی

فرهنگ ملل مختلف با بهره‌گیری از دوره‌های آموزش‌محور، اثربخشی هرچه بهتر وظایف محوله مدیریتی را شاهد بود.

References

1. Tabari MJ. History of Tabari. Translated by Payandeh A. Tehran: Publisher Asatir; 1987.
2. Amid H. Amid Dictionary. Tehran: Publisher Amir Kabir; 1971.
3. Hoseini Dashti M. Maaref and Maarif. Tehran: Publisher Arayeh; 2006.
4. Ibrahimi MH. Islamic Manager. Qom: Publisher Boostan Ketab; 2000.
5. Johari Farabi AH. Alsehah Taj al-Logha. Reaserch by Attar AA. Beirute: Publisher Dar al-Elm Lelmolaien; 1987.
6. Jorjani AM. Book al-Taarif. Tehran: Publisher Naser Khosro; 1999.
7. Tabarsi FH. Majma al-Bayan. Tehran: Publisher Naser Khosro; 2005.
8. Rageb Isfahani H. Mofradat Alfaz Quran. Translated by Khosravi Hoseini GR. Qom: Publisher Maktab al-Mortazavie; 2008.
9. Mesbah Yazdi MT. Quranology. Qom: Publisher Imam Khomeini Educational and Research Institute; 2010.
10. Abdeh M. Explain Nahj al-Balageh. Translated by Faghihi AA. Tehran: Publisher Saba; 1997.
11. Mohammadi Reiy Shahri M. Mizan al-Hekameh. Translated by Sheikhi MR. Qom: Publisher Dar al-Hadis; 2014.
12. The Holy Quran. Baghareh: 124, 196; Ale Imran: 97, 159; Haj: 1, 25, 27, 29; Asraa: 71; Ghamar: 7; Taha: 111; Ghafer: 11; Towbeh: 128; Yonos: 99; Anbia: 107; Nesaa: 108; Foselat: 34; Saf: 2-3; Ensherah: 7-8; Hood: 88; Anaam: 152; Nahl: 97, 159; Maedeh: 8.
13. Majlesi MB. Bahar al-Anwar. Qom: Publisher al-Ehya al-Kotob al-Islamieh.
14. Hor Ameli MH. Tafsil Vasaal Alshieh. Research by Hoseini Jalali MR. Qom: Publisher Al al-Beiy; 1996.
15. Saddogh MA. Al-Khesal. Translated by Kamraei MB. Tehran: Publisher Ketabchi; 2005.
16. Najafi MH. Javahir al-Kalam. Translated by Ghochani A. Tehran: Publisher Dar al-Ketab al-Islamieh; 1987.
17. Qeraati M. Tafsir Noor. Tehran: Publisher Cultural Center Lessons from the Quran; 1994.
18. Makarem Shirazi N. Tafsir Nemooneh. Tehran: Publisher Dar al-Ketab Islamieh; 1995.
19. Motahhari M. Ten Speeches. Tehran: Publisher Sadra; 2001.
20. Pirooz A. Management in Islam. Qom: Publisher Huwzeh and University; 2015.
21. Akrami F, Karimi A, Abbasi M, Shahrivari A. Adapting the Principles of Biomedical Ethics to Islamic Principles and Values in the Context of Public Health Policy. *Journal for the Study of Religions and Ideologies* 2018; 17(49): 46-59.
22. Motahhari M. Collection of works. Tehran: Publisher Sadra; 1976.
23. Dashti M. Translate of Nahj al-Balageh. Qom: Publisher Mashhoor; 2000.
24. Payande AGH. Nahjol Fesahe. Tehran: Publisher Donyaye Danesh; 2003.
25. Tabatabaie MH. Tafsir Almizan. Qom: Publisher Islami; 1995.